

# حروف اضافه در وابسته‌های ناهمانگ ترکیب‌های اضافی زبان روسی در آیینۀ زبان فارسی

امیر حسینی<sup>۱\*</sup>، وجیهه رضوانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار زبان و ادبیات روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۱۲/۷

دریافت: ۹۱/۷/۲۰

## چکیده

ترکیبات اضافی از جمله مقوله‌هایی هستند که هم در زبان روسی و هم در زبان فارسی، در بخش مقوله‌های گروه اسمی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. برخی از زبان‌شناسان و دست‌نویسان زبان فارسی بحث ترکیبات اضافی را، هرچند بدون حروف اضافه، به مقوله متمم‌های اسمی نسبت می‌دهند. ترکیبات اضافی بیانگر ویژگی‌ها و مفاهیم گوناگونی از جمله مالکیت، همانندی، بیان نوع جنس و اختصاص هستند. این ترکیبات در زبان فارسی به کمک اسمی که به اسم دیگر افزوده شده باشد، بیان می‌شوند که معادل این‌گونه ترکیبات در زبان روسی، وابسته اسمی همانگ (согласованное определение) و ناهمانگ (несогласованное определение) است. هدف از این پژوهش، بررسی ترکیبات اضافی در زبان‌های فارسی و روسی از نظر ساختار نحوی و یافتن وجوه تشابه و همانگی و یا عدم آن است که در آن صورت به چگونگی و روش‌های بیان معانی یکسان در ساختارهای متفاوت این‌گونه ترکیبات می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: ترکیبات وابسته، متمم اسم، وابسته‌های ناهمانگ، حروف اضافه.

## ۱. مقدمه

زبان‌های روسی و فارسی که به‌لحاظ رده‌شناختی به شاخه زبان‌های هند و اروپایی متعلق هستند، یک سلسله مشترکات در ساختار صرفی و نحوی دارند. موضوع ترکیبات وابسته

اضافی هم در زبان فارسی و هم در زبان روسی مورد توجه دستورنویسان قرار گرفته است. دستورنویسان زبان فارسی تاکنون تعاریف متعدد و گوناگونی درباره این مقوله دستوری زبان فارسی ارائه داده‌اند که به دلیل تفاوت در رویکرد و نگاه زبان‌شناختی آن‌ها، این تعاریف متفاوت هستند و گاه در حل بسیاری از مشکلات و سؤالات پیرامون این مقوله دستوری راهگشا نیستند. برخی با اتکا به دیدگاه‌ها و آموزه‌های دستور سنتی، بیشتر به «صورت» ساختارهای نحوی توجه کرده‌اند و برخی نیز با رویکردی متفاوت، از دید «معنا» به این مقوله دستوری پرداخته‌اند. در بسیاری از کتاب‌های دستور زبان فارسی برای جزء دوم ترکیباتی مانند کمک به زلزله‌زدگان، مشورت با دوست و... نقش دستوری متفاوت با جزء دوم در ترکیباتی مانند کتاب علی، کلاس درس و... قائل شده‌اند. برای گروه اول، نقش دستوری «متمم اسم» و برای گروه دوم، «مضاف‌الیه» تعریف شده است، اما به نظر می‌رسد که جزء دوم در هر دو گروه از مثال‌های بالا نقش دستوری یکسانی را ایفا می‌کنند و آن هم افزودن چیزی به معنای کلمه دیگر یا تمام کردن معنای کلمه دیگر است. حال این نقش در گروه اول با همراهی حروف اضافه و در گروه دوم با عدم وجود حروف اضافه بیان می‌شود. به این ترتیب به نظر می‌رسد اصطلاح «ترکیبات اضافی» به عنوان نامی عمومی مناسب‌تر باشد، زیرا از آنجا که زبان روسی، تصریفی است و برای ترکیبات اضافی و توصیفی از یک اصطلاح (определение)، خواه هم‌هنگ یا ناهم‌هنگ، استفاده می‌کند، مشکل معادل‌یابی در زبان فارسی را تا حدودی برطرف می‌کند.

در این پژوهش به بررسی و مقایسه تطبیقی این مسئله می‌پردازیم که آیا ترکیبات اضافی در زبان فارسی و روسی از نظر ساختار نحوی تطابق و هم‌هنگی دارند و چنانچه این تطابق وجود ندارد، به دلیل ساختار زبانی است یا نیاز به بررسی معنایی دارد و روش‌های بیان این‌گونه ترکیبات به چه شکلی است؟

در زبان فارسی ترکیبات اضافی به تفصیل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند، اما در زبان روسی نیازمند بررسی، مقایسه و مطابقت ساختارها برای آموزش و کاربرد صحیح به زبان‌آموزان و مترجمان ایرانی یا روس‌زبانانی هستیم که به یادگیری زبان فارسی علاقه‌مند هستند که در این پژوهش به آن می‌پردازیم.

## ۲. وابسته‌های هماهنگ و ناهماهنگ

حالت اضافه در زبان فارسی در مقوله گروه اسمی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. اما باید دید که منظور از حالت اضافه و ماهیت آن چیست؟

متأسفانه دست‌نویسی در زبان فارسی پیشینه زیادی ندارد و دستورهای نوشته شده در زبان فارسی معمولاً جامع و کامل نیستند و بسیاری از موضوعات مهم دستوری مورد تجزیه و تحلیل کامل قرار نگرفته‌اند. دست‌نویسان فارسی تاکنون تعاریف متعدد و گوناگونی درباره این مقوله دستوری از زبان فارسی ارائه داده‌اند که به دلیل تفاوت در رویکرد و نگاه زبان‌شناختی آن‌ها، متفاوت هستند. برخی با اتکا به دیدگاه‌ها و آموزه‌های دستور سنتی، بیشتر به «صورت» ساختارهای نحوی توجه کرده‌اند و برخی نیز با رویکردی متفاوت، از دید «معنا» به این مقوله دستوری پرداخته‌اند. تعریف کلی که درباره ترکیبات وابسته اضافی از کتاب‌های مختلف دستور زبان فارسی استخراج می‌شود، بدین صورت است که اگر دو اسم، مجاور یکدیگر باشند و آخر اولین اسم (اگر حرف اضافه نباشد) کسره‌ای وجود داشته باشد، حالت اضافه ایجاد می‌شود (شریعت، ۱۳۶۷: ۳۶۱). معمولاً در حالت اضافی، کلمه یا گروهی از کلمات با کسره اضافه به دنبال اسم دیگر قرار می‌گیرد و توضیحی به مفهوم آن اضافه می‌کند: مانند «کتاب معلم». در زبان فارسی به واژه «کتاب» مضاف و به کلمه «معلم» مضاف‌الیه می‌گویند. سلطانی درباره مضاف و مضاف‌الیه چنین می‌نویسد: ترکیب اسم- اسم، مضاف و مضاف‌الیه است (همو، ۱۳۷۴: ۱۱۱).

در حال حاضر برخی از دست‌نویسان معاصر، بیشتر با رویکردی معناگرایانه به ترکیبات اضافی توجه دارند و آن را در مقوله متمم‌های اسمی مورد بررسی قرار می‌دهند. از دیدگاه ناتل خانلری متمم اسم، اسم یا ضمیری است که به اسم دیگری می‌پیوندد تا معنی آن را تکمیل کند. اسمی که مقصود اصلی گوینده است و این کلمه برای توضیح و تکمیل معنی آن آمده است، «مضاف» خوانده می‌شود. (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۸۷).

از نظر برخی دیگر از زبان‌شناسان، متمم اسم، گروه اسمی یا اسمی است که به وسیله حرف اضافه، بر معنای اسم می‌افزاید. از نظر آن‌ها متمم اسم بر دو قسم است؛ یکی مضاف‌الیه و دیگری شبه مضاف‌الیه. «مضاف‌الیه» اسمی است که پس از حرف اضافه کسره بیاید، مانند کتاب تاریخ و «شبه مضاف» ای اسمی است که به وسیله حرف اضافه‌ای غیر از

کسره به اسم هسته خود مربوط شود، مانند کار در مدرسه و کوشش برای صلح (یاسمی و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۲۸).

اصطلاح «متمم اسم» در دستور سنتی زبان فارسی توسط دست‌نویسان، بیشتر با تکیه همزمان بر دو وجه صورت (فرم) و معنای زبان تعریف می‌شود. بر این اساس متمم اسم، به‌عنوان وابسته در ترکیب با اسامی (فرشیدورد، ۱۳۷۵: ۵۵)، به‌عنوان اسمی مشخص می‌شود که می‌تواند به‌وسیله حرف اضافه به معنای آن اسم بیفزاید یا به عبارتی معنی کلمه را تمام کند (وزین‌پور، ۱۳۷۵: ۹۹؛ انوری، ۱۳۷۳: ۱۲۱). به این ترتیب با توجه به تعریف بالا از متمم اسم، متوجه می‌شویم که در دستور سنتی زبان فارسی، استناد به‌صورت زبان، یعنی قائل بودن به وجود یک حرف اضافه در کنار اسم، به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی در تعیین و تعریف متمم مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در دستور زبان روسی معاصر، تکیه و استناد به جنبه «معنا» است و وجود یا عدم وجود حرف اضافه در کنار اسم تأثیری بر تعیین متمم اسم ندارد؛ به عبارت دیگر در زبان روسی در تعیین متمم اسم «افزودن به معنای کلمه دیگر و تمام کردن معنای کلمه دیگر» مهم است، نه وجود حرف اضافه (یاسمی و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۲۸).

گفتنی است، برخی از زبان‌شناسان و دست‌نویسان زبان فارسی چون دکتر انوری و احمد گیوی همچون دست‌نویسان روسی، نقش‌های اضافه را در حکم حرف اضافه و متمم‌ساز به‌شمار آورده‌اند و بحث ترکیبات اضافی را در مقوله متمم‌های اسمی مورد بررسی قرار می‌دهند؛ بدین شرح که هرگاه مسند یا مسندالیه، مضاف یا موصوف واقع شوند، مضاف‌الیه یا صفت «متمم» نامیده می‌شوند؛ مثل مرد دانشمند و استاد دانشگاه.

در ترکیب‌های اضافی زبان فارسی کنونی معمولاً جزء اول ترکیب، «اسم» است که عنصر عمده و اساسی ترکیب (هسته) را تشکیل می‌دهد. جزء دوم ترکیب اضافی معمولاً عنصر درجه دوم و عنصر تعیین‌کننده جزء نخست است (شفائی، ۱۳۶۳: ۱۵۰). جزء دوم ترکیب اضافی (مضاف‌الیه) متمم جزء اول (مضاف) است که تا حدودی آن را واضح‌تر می‌کند و از نظر معنی مقصود از اضافه، غالباً مضاف است، جز در پاره‌ای ترکیبات که تشبیهی-استعاره‌ای هستند و در آن‌ها مضاف‌الیه مقصود است، مثل پشت کمان، قد سرو و... معادل متمم اسم زبان فارسی در زبان روسی «определение» است که می‌تواند به‌صورت وابسته هم‌هنگ با اسم (دانشگاه تهران، Тегеранский университет) و وابسته ناهم‌هنگ (سوپ برنج، суп с рисом) در جمله به‌کار رود.

متمم اسم در زبان روسی جزء فرعی کلام است که توسط یکی از روابط نحوی با کلمه دیگر ترکیب می‌شود و به معنای آن می‌افزاید و بیانگر ویژگی‌های مختلف آن کلمه است. براساس روابط نحوی حاکم بر گروه‌واژه‌ها (همسانی<sup>۱</sup>، حاکمیت<sup>۲</sup> و همنشینی<sup>۳</sup>) متمم اسم در زبان روسی به دو دسته متمم اسم هماهنگ و ناهماهنگ تقسیم می‌شود. متمم اسم نقش بسزایی در زبان روسی ایفا می‌کند. به وسیله آن می‌توان اشخاص، اشیاء و پدیده‌ها را به طرق مختلف توصیف کرد. متمم اسم ناهماهنگ برای بیان معانی مختلفی از قبیل مالکیت، تعلق شیئی یا شخصی به مجموعه‌ای، ویژگی‌های ظاهری یا باطنی، خصوصیات فاعل کار، زمینه تخصص، پیشه، رشته درسی، نسبت خویشاوندی، ماده‌ای که شیئی از آن ساخته شده، داشتن یا نداشتن خصوصیتی و... به کار برده می‌شوند؛ مثل книга брата (کتاب برادر)، красивый город (شهر زیبا)، ключ от двери (کلید در) و газета «Правда» (روزنامه «پراودا») (Диброва, 2001, c: 272).

معمولاً معادل وابسته اضافی زبان فارسی، حالت‌های صرفی مختلف زبان روسی (با حرف اضافه و یا بدون آن) یا به عبارتی несогласованное определение<sup>۴</sup> گاهی صفت و موصوف (согласованное определение) و گاهی بدل (приложение) است؛ مثل книга сестры (کتاب خواهر)، городские улицы (خیابان‌های شهر) و Республика Иран Исламская (جمهوری اسلامی ایران).

از آنجا که زبان فارسی به لحاظ رده‌شناختی به زبان‌های تحلیلی و پیوندی تعلق دارد، روابط نحوی حاکم بر گروه‌واژه‌های آن، برخلاف زبان روسی عموماً به فرم کلام بستگی ندارد، بلکه بیشتر توسط کسره بیان می‌شوند، به طوری که در مثال‌های بالا، کسره اضافه، دو کلمه «خیابان‌ها» و «شهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط می‌دهد و معادل آن در زبان روسی همان مطابقت دستوری، یعنی هماهنگی پایانه صرفی دو واژه از لحاظ شمار، جنس و حالت صرفی است (городские улицы). از طرف دیگر، کسره اضافه، دو واژه «کتاب» و «خواهر» را از لحاظ نحوی به یکدیگر ارتباط داده است؛ معادل آن در زبان روسی پایانه صرفی -ы در واژه сестры است.

متمم اسم یکی از اجزای فرعی جمله است که بر صفات، کیفیت و ویژگی‌های ذاتی اشیاء دلالت می‌کند و به پرسش‌های какой?, который, чей? پاسخ می‌گوید. کلمات وصفی اغلب

در جایگاه کلمات وابسته به اسم در کلمه‌ترکیب‌ها قرار می‌گیرند و می‌توانند به صورت هم‌هنگ و ناهم‌هنگ با آن‌ها، یعنی با حضور حروف اضافه، توضیح بیشتری را به معنی کلمه اصلی بیفزایند:

ترکیب هم‌هنگ: باغ زیبا (красивый сад)، خانه بزرگ (Большой дом)

ترکیب ناهم‌هنگ: بلیت تئاتر (билет в театр)، مرد کلاه به سر (Человек в шляпе)

به ترکیب‌های اسمی وابسته که در حالت صرفی، جنس و شمار با اسم وابسته خود مطابقت داشته باشند، ترکیب‌های وابسته هم‌هنگ می‌گویند و در صورتی که وابسته اسم با حروف اضافه یا براساس مجاورت در کنار واژه اصلی قرار گیرد، وابسته ناهم‌هنگ است. در وابسته هم‌هنگ از صفت، صفت فاعلی یا مفعولی<sup>۱</sup>، ضمیر نسبی و اعداد ترتیبی در ترکیب‌های توصیفی استفاده می‌شود، در ترکیبات وابسته ناهم‌هنگ از اسم در حالت‌های صرفی، صفات تفضیلی، مصدر و ضمیر استفاده می‌شود و در ترکیبات وابسته ناهم‌هنگ از ترکیب اسم به همراه حرف اضافه در تمامی حالت‌های صرفی یا بدون آن در Р.п. و П.п. استفاده می‌شود (Валгина, 1991, с: 124).

وابسته‌های ناهم‌هنگ که از ترکیب اسم در حالت Р.п. بدون حرف اضافه ساخته می‌شوند، به مالکیت شی یا حالتی برای اسم همراه آن اشاره دارند که مطابق با اضافه تخصیصی در زبان فارسی خواهد بود.

*Лицо Кутузова, стоявшего в дверях кабинета, несколько мгновений оставалось совершенно неподвижно (Л. Т.);*

**صورت کوتوزوف که در آستانه در اتاق کار ایستاده بود، برای چند لحظه کاملاً**

بی‌حرکت ماند.

این‌گونه ترکیبات اضافی در زبان فارسی به وسیله نقش‌نمای اضافه کسره یا پی‌واژه، رابطه نحوی برقرار کرده و مفهوم نسبت و اختصاص چیزی به چیز دیگر را بیان می‌کنند؛ در زبان روسی این‌گونه ترکیبات می‌توانند به وسیله حالت‌های صرفی مختلف اسم زبان روسی (با حرف اضافه و یا بدون آن) و گاهی صفت و موصوف بیان شوند:

*КузнецПутиловского завода Иван Гора чистил винтовку (А.Н. Т.);*

**آهنگر کارخانه پوتیلوفسکی، ایوان گورا، تفنگ را تمیز می‌کرد.**

گاه این رابطه به فاعل اشاره دارد:

*Все реже, тише и отдаленнее раздаются то скрип колес, то нежная малорусская песня, то звонкое лошадиное ржанье, то возня и последнее щебетанье птиц* (Купр.)

هر از گاهی دورتر و آهسته‌تر یا صدای قرچ قرچ چرخ‌ها یا صدای دل‌انگیز ترانه روسی یا شبیه زنگدار اسب‌ها و همهمه و جیک‌جیک پرندگان به گوش می‌رسید.

گاه به صفتی از اشیاء یا پدیده‌های طبیعی اشاره دارد:

*От ветхого барака в темном леса нырнули конь и всадник* (Н. Остр.);  
از آلونک زوار در رفته تو تاریکی جنگل اسب و سوارش ناپدید شدند.

بیان رابطه کل به جزء که توسط کلمه وصفی مشخص می‌شود:

*Вам холодно немножко, вы закрываете лицо воротником шинели* (Т.)  
شما کمی سردتونه، صورتتون رو با یقه شلنتون بیوشونید.

گاه ساخت برخی از ترکیب‌ها از یک الگوی نحوی پیروی می‌کند، درحالی که معنای تولیدشده بسیار متفاوت است:

دست تقدیر (рука судьбы/события жизни) دست کمک (рука помощи) ندای دل (зов сердца) برق نگاه (молния взгляда)، بال نسیم (крылья ветров) و... این ترکیب‌ها به کمک نقش‌نمای کسره با هم مرتبط می‌شوند. از میان این نمونه‌ها تنها ترکیب دست کمک (рука помощи)، به معنی دست برای کمک یا دست به نشانه کمک، معادل اضافه اقتراعی است و سایر ترکیب‌ها اضافه استعاری هستند. باید به یاد داشت، ترکیب‌های بالا از جمله مواردی هستند که در هر دو زبان به‌طور یکسان وجود دارند، اما ترکیبات استعاری بسیاری در شعر و ادبیات زبان فارسی وجود دارند؛ برای مثال: سینه دریا (грудь моря)، تیر نگاه (стрелка взгляда)، آسمان چشمان (небо глаз)، دیوار جدایی (стена развода)، روی سخن (лицо речи) و ... هرچند ترجمه ترکیبات بالا به‌صورت تحت‌اللفظی ممکن است، اما در زبان روسی ترکیب آشنا و پذیرفته‌شده‌ای نخواهند بود. این بدان معنا نیست که در زبان روسی ترکیبات استعاری به‌کار برده نمی‌شود، بلکه استعاره‌ها در هر زبانی از باورهای ملی، مذهبی و جهان‌بینی مردمان آن سرزمین سرچشمه می‌گیرند.

یکی دیگر از حالت‌های وابسته که به کمک Р.П. و با حروف اضافه *от* بیان می‌شود، معادل اضافه تخصیصی در فارسی است:

داروی درد سر (лекарство от головной боли)، کلید در (ключ от двери)، در قندان



приказ (крышка **от** сахарницы) قابِ عینک (футляр **от** очков)، دستورِ اولِ آگوست (письмо **от** первого августа) نامهٔ ماه می (письмо **от** мая)، نامهٔ رئیس (نامهٔ رئیس **от**) (начальник **от** ворот у гаража)، درِ گاراژ (ворота у гаража)، کشوی میز (ящик у стола).

از دیگر وابسته‌های ناهم‌هنگ که با اسم در حالت Т.п. بدون حرف اضافه ساخته می‌شوند، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

*Студенты выполнили занятия русским языком.*

دانشجویان تمرینات زبان روسی را انجام دادند.

*По соглашению между ТГУ и МГУ обмен студентами начинается с сентября следующего году.*

طبق توافق میان دانشگاه‌های مسکو و تهران، تبادل دانشجویان از ماه سپتامبر آغاز

می‌شود.

گاه به صفتی اشاره می‌کنند که از مقایسه و تشابه با سایر اشیاء و پدیده‌ها نشئت گرفته

است:

*Моисей ходит уже в шляпе котелком (Ч.).*

موسی با کلاه قابلمه‌ای اش می‌آید.

وابسته‌های ناهم‌هنگ که با اسم در حالت‌های مختلف صرفی با حروف اضافه بیان می‌شوند، بیانگر معانی گوناگونی هستند که گاه این معانی اولین تعریفی نخواهند بود که به هر یک از این حروف تعلق می‌گیرند؛ از این‌رو کوشیده‌ایم با واکاوی هر یک از این حروف اضافه و معادل‌های آن‌ها در زبان فارسی، تفکیکی بین معانی توصیفی و سایر معانی این حروف در ساختارهای که فقط توصیفی وابسته دارند، به دست آوریم. در بخش بعدی به شرح روابط توصیفی با حروف اضافه می‌پردازیم.

## حرف اضافه B

حرف اضافه B از دستهٔ حروف ساده است که در دو حالت В.п. و II.п. ایفای نقش

می‌کند. کلی‌ترین تعریفی که برای این حرف اضافه می‌توان بیان کرد، این است که برای انجام عمل و حرکت به سمت داخل در محدودهٔ اشیای نام برده به‌کار می‌رود؛ درحالی که گاه اسم



در ترکیب با این حرف اضافه معناهایی بسی دورتر از معنای حرکتی را تداعی می‌کند که بُعد زمان، صفات ظاهری، معانی انتزاعی فاعلی و مفعولی از دیگر مفاهیم تولید شده با این حرف اضافه است. حال به بررسی هریک می‌پردازیم:

### ترکیب این حرف اضافه با اسامی

الف. ترکیب با اسامی عام، به معنی سمت یا جهت:

*Скоро загремела музыка, **двери в залу** отворились и бал завязался.* (П)

به زودی صدای موزیک در می‌آمد، **درهای سالن باز شدند** و باله شروع شد.

*Несмотря на то, что **путь в горы** лежал направо, Хаджи Мурат повернулся в противоположную сторону, налево.* (Т.)

بدون توجه به اینکه **راه کوهستان** در سمت راست قرار داشت، حاجی مراد به سمت

مخالف، طرف چپ برگشت.

*Мать посмотрел на сына: сын стоял у **двери в комнату** и улыбался.* (Г.)

مادر به پسرش نگاه کرد. پسر در **آستانه در اتاق** ایستاد و لبخند زد.

*На станции ждали почтового **поезда в Москву**, оттуда пахло самоваром, и это будило тоскливое желание уюта, теплой чистой комнаты, семьи.* (Бунин) (Золотова, 2001, 161).

توی ایستگاه منتظر **قطار پستی مسکو** بودیم، از آنجا بوی سماور می‌آمد که حسرت یک

اتاق گرم، راحت و تمیز و خانواده را زنده می‌کرد.

با توجه به نمونه‌های بالا که در زبان فارسی، معادل اضافه تخصیصی و اغلب مکانی

هستند که بدون حرف اضافه و فقط با نقش‌نمای کسره به وابستگی آن‌ها اشاره می‌شود، در

نمونه‌های بعدی می‌بینیم که برخی از ترکیب‌ها در زبان فارسی نیز نیاز به حرف اضافه دارند

تا معنی قابل درک باشد.

*Сделав **выстрел в роуц**, он даже и не повернулся к барьеру, сунул свой пистолет Кириллову и поспешино направился к лошадям.* (Д.)

با **شلیک به پیشه**، او حتی به طرف مانع هم برگشت، اسلحه خود را در کیریلوف

گذاشت و با عجله به سمت اسب‌ها رفت.

ب. ترکیب با معادل اسمی افعال حرکتی:

*Как только вспыхивал бой, все запасные **выходы в сад** немедленно открывались.* (Паустовский).

به محض درگرفتن جنگ، تمام **درهای خروجی اضطراری**، **باغ فوراً باز شدند**.

*Что представляет из себя Рио де Жанейро не знаю, но вход в порт красота несравненная.*

ریو دی ژانیرو چه تصویری از خود به دست می‌دهد را نمی‌دانم، اما با ورود به بندر زیبایی غیر قابل مقایسه‌ای را می‌بینید.

*Когда снегопад утих, встала первейшая задача: открыть трассу для движения хоть в одну сторону.*

هنگامی که ریزش برف پایان یافت، اولین وظیفه‌مان این است که روی تراس راهی برای حرکت، حتی شده به یک طرف، بازکنیم.

ج. ترکیب با اسامی که مفهوم زمان دارند:

گاه ترکیب این حرف اضافه با اسم معنی، زمان را بیان می‌کند که شمار آن هم بسیار زیاد است و اغلب آن را به صورت قید زمان در جمله می‌توان بررسی کرد. برای موضوع مورد تحقیق این مقاله، فرم و معنای توصیفی و اضافی موردنظر است، از این رو به ترکیبات زمانی با حالت اضافی توجه می‌کنیم:

*Солнце вечера- добрее солнце в полден.*

آفتاب غروب، مهربان‌تر از آفتاب نیمه‌روز است.

*Макс поясняет, что это место работы исследователей в вечернюю и ночную пору.*

ماکس توضیح می‌دهد که این مکان فعالیت محققان نوبت عصر و شب است.

*Что француз в сорок лет такой же ребёнок, каким был в пятнадцать!*  
(Гоголь)

فرانسوی در چهل سالگی (چهل‌ساله) چنین کودکی رفتار می‌کند، خدا می‌داند در پانزده سالگی چگونه بوده است!

*Занятия спортом в юные годы- отличный фундамент здоровья в поздние периоды жизни.*

ورزش در سنین نوجوانی، بهترین پایه‌ریزی سلامتی سنین سالخوردگی است.

د. ترکیب با واژهٔ кандидат:

*В Ленинграде и в области продолжается регистрация кандидатов в депутаты местных советов.*

در لنینگراد و سایر استان‌ها، ثبت‌نام نامزدهای نمایندگی در شوراهای محلی ادامه دارد.

ه. در ترکیب با مفاهیم کمی و کیفی:

*Это впрочем не дом а домик, он мал в один маленький этаж и в три окна... (Авилова)*

در عین حال این خانه نبود، بلکه آلونکی یک طبقه و سه پنجره‌ای بود.

*Извозчики подвезли их прямо к большой избе в четыре окна.*

گاریچی‌ها مستقیماً آن‌ها را به کلبه بزرگ چهار پنجره آوردند.

*Мальчишка выташил из кармана листок бумаги в клетку.*

پسر بچه از جیبش کاغذ شطرنجی را درآورد.

*Изделия из материалов клеточку лучше смотрятся с более плотным воротниками из шелкового пике.*

تولیدات تهیه شده از پارچه‌های چهارخانه نسبت به یقه‌های ابریشمی کلفت پیکه، جلوه

بیشتری دارند.

*Рядом меня на поезде сидела женщина лет 50 в очках.*

توی قطار کنار من خانم پنجاه ساله عینکی‌ای نشسته بود.

گاه برای بیان صفات و ویژگی‌های ظاهری افراد و اشیاء در ترجمه زبان فارسی

ناگزیریم از حرف اضافه «با» استفاده کنیم:

*Петров был в резиновых сапогах, в пиджаке, но без галстука.*

پتروف با چکمه‌های پلاستیکی و کت، اما بدون کراوات بود.

### حرف اضافه на

حرف اضافه на در دسته حروف اضافه ساده قرار می‌گیرد که در В.п. و П.п. با

اسامی ترکیب می‌شود و ساختارهای نحوی با معانی گوناگون را می‌سازد. از میان

ساختارهای مذکور ترکیب اسم به‌همراه این حرف اضافه و اسم انتزاعی به موضوع مورد

بررسی این پژوهش نزدیک است. گفتنی است با اینکه از یک حرف اضافه در ساخت این

ساختار استفاده می‌شود، لزوماً معنای یکسان و معادل مشابهی در زبان فارسی برای آن‌ها

وجود ندارد و ممکن است هر ترکیب با یک نوع اضافه در زبان فارسی مطابقت داشته باشد

که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

*Она была не торопливо, без протязаний на успех, все тихо, просто было в ней. (П.)*

او هیچ عجله‌ای نداشت، بدون ادعای پیروزی، همه چیز در وجود او آرام و بی تلاطم بود.

این ترکیب اضافی، بیان‌کننده اضافه تخصیصی در زبان فارسی است.

*Ну что же я поделаю, раз у меня таланта на рисование нет?*



خوب، من که استعداد نقاشی ندارم چه کنم؟

*Заявка на спектакли приходили со всех концов Москвы.*

درخواست نمایش از اقصی نقاط مسکو به دست می‌رسید.

*В обществе уже высоко поднялся спрос на инициативу, на трудовое новаторство.*

در جامعه تقاضای ابتکار و نوآوری‌های حرفه‌ای، رشد روزافزون داشته است.

*При такой большой аудитории проходит конкурс на техническую разработки.*

در چنین سالن درس بزرگی مسابقه طراحی فنی برگزار می‌شود.

*Для нормального функционирования мышц упражнения на гибкость очень желательны.*

برای کارکرد مناسب عضلات تمرینات کششی بسیار مطلوب هستند.

در زبان تخصصی نظامی در ترکیب اسم با اسم دیگر در حالت وابسته ناهماهنگ، هر دو

حرف اضافه مختص. П.п.، o و на به کار برده می‌شوند؛ مانند:

*Приказ на прорыв* یا *приказ o прорыве* فرمان تخریب

*Решение на проведение операции* - *решение o проведении операции*

تصمیم انجام عملیات

البته تنها کاربرد آن‌ها در اصطلاحات نظامی نیست، بلکه در بیان وابسته‌های ناهماهنگ

دیگر نیز به آن‌ها برخورد می‌کنیم؛ آگهی پذیرش (*весть o приеме*)، خبر پیروزی

(*объявление o победе*)، معاهده منع گسترش اتمی (*договор o нераспространении*)

(*ядерного аружия*)، گواهی ولادت (*свидетельство o рождении*)، کفش پاشنه‌بلند

(*туфли на высоких каблуках*)، دست‌های رنگی (*руки в краске*)

### حرف اضافه по

حرف اضافه по در بیان ترکیبات اضافی، نقش اندکی دارد؛ از این رو در زیر به برخی از

معانی که می‌توان در این دسته جای داد اشاره می‌کنیم:

По+Д.п. به نوع فعالیت اشاره می‌کند:

قهрман شطرنج (*чемпион по шахматам*)، کارشناس نفت (*специалист по нефти*)،

تحقیقات فیزیکی (*исследование по математике*)

به کیفیت و ویژگی‌های اشیاء و اشخاص اشاره دارد:

خویشاوندان مادری (*родственник по матери*)، کیفیت عالی (*отличный по качеству*).

برای اشاره به زمان:

*гулять по утрам*

گردش صبحگاهی

#### حرف اضافه под

حرف اضافه под در برخی ترکیب‌ها به ابزار کار یا مفعول اشاره می‌کند که گاه با بیان موقعیت مکانی آن مفعول نیز همراه است.

*На аллее под старым тополем стол, сервированный для чая...* (Дядя Ваня)

در کوچه باغ سرو کهن، میز سرو چای قرار دارد.

*Продажа земли под сад/огород в Украине* (Золотова, 2001: 215).

فروش زمین باغ / باغچه در اوکراین.

*Сегодня пакеты под напитки многие торговые сети выдают вместе с продукцией бесплатно.*

امروزه بسیاری از شرکت‌های تجاری پاکت نوشیدنی را همراه محصولات خود، رایگان

در اختیار قرار می‌دهند.

برای بیان زمان:

*Ночь под новым год*

شب سال نو

*под вечер*

دم غروب

*Разговор был осенью, под зиму*

این صحبت مال پاییز، حول و حوش زمستان.

#### حرف اضافه с

گاه این حرف اضافه به همراه اسم (عام یا انتزاعی) به ویژگی‌های شخص یا شی اشاره می‌کند. همان‌طور که در برخی از حروف اضافه پیشین هم اشاره کردیم، برای ترجمه به فارسی در ترکیبات اضافی یا توصیفی با این حرف اضافه، ممکن است از حرف اضافه «با» استفاده شود:

*Спальня у Беликова была маленькая точно ящик, кровать была с пологом.* (Чехов)

اتاق خواب بلیکوف کوچک بود، مثل یک قوطی کبریت، تختش پیشه بنددار بود.

*Август был с теплыми дождиками.*

ماه آگوست با باران‌های گرمش.

*И небо розовое было такое красивое, с кудрявыми тучами (Золотова, 2001: 228).*

آسمان صورتی‌رنگ با ابرهای سیاه پیچ در پیچ چنان زیبا می‌نمود.

برای بیان ویژگی‌های اشخاص:

*Не извольте гневаться, ваше превосходительство, она немного с придурью, такова же была мать ее (Гоголь).*

قربان اجازه ندهید خشم بر شما غلبه کند، او کمی خل و چل است، مادرش هم همین‌طور بود.

*Представляете! лукавое лицо, светлый чуб, глаза со смешилкой.*

تصور کنید! صورت حقه‌باز، فوکل روشن و چشمان خندان.

### ۳. نتیجه‌گیری

با بررسی ترکیبات اضافی در مثال‌های برگرفته از دو زبان فارسی و روسی، با توجه به غیرصرفی بودن زبان فارسی، ساختارهای وابسته در آن ناهماهنگ هستند، زیرا اصولاً در زبان‌های غیرصرفی مطابقت یا هماهنگی میان اعضای ترکیبات وابسته وجود ندارد. از آنجا که زبان فارسی انواع ترکیب‌های اضافی مانند تخصیصی، ملکی، اقترانی و استعاری و غیره دارد، ممکن است معادل دقیقی برای آن در زبان روسی یافت نشود، اما بیان آن‌ها به‌کمک حروف اضافه امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر در زبان روسی برای انواع اضافه زبان فارسی حداقل یک معادل که به کمک حالت دستوری اضافه بیان می‌شود، می‌توان پیدا کرد. تنها استثنای ممکن می‌تواند اضافه تشبیهی باشد که به‌کمک عبارات مقایسه‌ای در زبان روسی بیان می‌شود. حروف اضافه در زبان فارسی تنها در ساخت وابسته حرف اضافه‌ای به‌کار می‌روند و این در حالی است که در زبان روسی حروف اضافه در ساخت انواع وابسته ناهماهنگ نقش اساسی دارند.

به‌دلیل صرفی بودن زبان روسی، ترکیبات وابسته در این زبان در دو دسته کلی ناهماهنگ و هماهنگ قرار می‌گیرند. ترکیبات وابسته ناهماهنگ در زبان روسی بدون حرف اضافه در حالت P.П. و به کمک حروف اضافه هم در P.П. و هم در سایر حالت‌های صرفی بیان می‌شوند، اما

همیشه معنای «مضاف و مضاف‌الیه» را ندارند و ممکن است توصیف حالت یا ویژگی شخص را بیان کنند و این از پیچیدگی‌های این مقوله دستوری است که علاوه بر توجه به «صورت»، «معنای» ترکیب‌ها نیز بسیار اهمیت دارد. لازم به یادآوری است که اغلب ترکیبات وابسته ناهمانگ به صورت مترادف‌های همانگ نیز به کار برده می‌شوند:

*Над оврагом сияло голубое небо мая. (майское небо)*

روی دره آسمان آبی، ماه می درخشید.

بنابراین ممکن است انواع اضافه فارسی به کمک یک حالت صرفی یا حالت‌های صرفی مختلف زبان روسی بیان شوند. در یک جمع‌بندی کلی به نکات زیر اشاره می‌کنیم:

- حروف اضافه به کار رفته در ترکیب روسی، گاه در ترجمه فارسی نیز وارد می‌شوند و ترکیب را از حالت مضاف و مضاف‌الیه یا موصوف و صفت به متمم اسم تغییر می‌دهند و گاه فقط در زبان روسی وجود دارند و ترجمه بدون حرف اضافه، خللی در معنای آن ایجاد نمی‌کند.
- بر اساس دیدگاه‌های معناگرایانه که اغلب در زبان فارسی نمود بیشتری دارند، ابزارهای زبانی در زبان فارسی مانند زبان روسی وجود ندارد. کاربرد حروف اضافه، بخش جدایی‌ناپذیر ترکیبات اضافی ناهمانگ در زبان روسی است.
- با مقایسه صورت‌های گروه اسمی با ساخت اضافه‌ای وابسته اسمی مشخص شد حروف اضافه در ساخت اضافه تخصصی نقش بسزایی دارند؛ به عبارت دیگر در بیشتر موارد اضافه تخصصی در زبان روسی به کمک حرف اضافه ساخته می‌شود و این در حالی است که در ساخت اضافه استعاری و اقترانی حروف اضافی نقشی ندارد. اضافه بیانی که در زبان روسی به کمک حرف اضافه ИЗ یا موصوف و صفت ساخته می‌شود، بسامد کاربردی یکسانی دارد. از طرف دیگر بدل و وابسته وصفی از ابزارهای اصلی ساخت اضافه توضیحی به شمار می‌آیند.
- با بررسی وابسته اسمی در زبان فارسی و روسی، مشخص شد در زبان روسی برای انواع اضافه زبان فارسی حداقل یک معادل که به کمک حالت دستوری اضافه بیان می‌شود، می‌توان پیدا کرد. تنها استثنای ممکن اضافه تشبیهی است که به کمک عبارات مقایسه‌ای در زبان روسی بیان می‌شود. حروف اضافه در زبان فارسی تنها در ساخت وابسته حرف اضافه‌ای به کار می‌روند و این در حالی است که در زبان روسی حروف اضافه در ساخت انواع وابسته ناهمانگ نقش اساسی دارند.

## ۴. پی‌نوشت‌ها

1. согласование
2. управление
3. примыкание

۴. ترکیب اضافی ناهم‌هنگ

۵. ترکیب اضافی هم‌هنگ

6. причастие

## ۵. منابع

- انوری، حسن و احمد گیوی (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*. ج. ۲. تهران: فاطمی.
- سلطانی، علی و دیگران (۱۳۷۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: اساطیر.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳). *مبانی علمی دستور زبان فارسی*. تهران: موسسه انتشارات نوین.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۵). *گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- وزین پور، نادر (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی*. تهران: معین.
- یاسمی، رشید؛ ملک‌الشعرا بهار؛ بدیع‌الزمان فروزانفر؛ عبدالعظیم قریب و جلال‌الدین همایی (۱۳۷۳). *دستور زبان (پنج استاد)*. تهران: فردوس.
- Валгина Н.С. (1991). *Синтаксис русского языка*. М.: Высшая школа.
- Диброва, Е.И. (2001). *Современный русский язык*. -М.: АCADEMIA.
- Золотова Г.А. (2001). *Синтаксический словарь*. -М.:Эдиториал.
- *Лингвистический энциклопедический словарь*. (1990). под ред. Ярцева В.Н., Москва. СОВЕТСКАЯ ЭНЦИКЛОПЕДИЯ.

### Translated Resources:

- Anwari Hassan, Ahmad Givi (1994). *Persian Grammar*. Vol. 2. Tehran: Fatemi [In Persian].
- Dibrov, E.I. (2001). *Modern Russian Language*. -M.: ACADEMIA [In Russian].



- Farshidord, Khosro (1996). *Discourses about Persian Grammar*. Tehran: Amir Kabir Publications [In Persian].
- Natel Khanlari, Parviz (2005). *Persian Grammar*. Tehran: Tous Publications [In Persian].
- Shafai, Ahmad (1984). *Scientific Principles of Persian Grammar*. Tehran: Entesharat Novin Publications [In Persian].
- Shariat, Mohammad Javad (1988). *Persian grammar*. Tehran: Asatir Publications [In Persian].
- Soltani, Ali et. al. (1995). *Persian Grammar*. Tehran: Amir Kabir Publications [In Persian].
- Valgina N.S. (1991). *The Syntax of the Russian Language*. Moscow [In Russian].
- Vazin Pour, Nader (1996). *Persian Grammar*. Tehran: Moeen Publications [In Persian].
- Yartseva V.N. (1990). *Linguistic Encyclopedic Dictionary, ed.* Moscow. Soviet Encyclopedia [In Russian].
- Yasami, Rashid-Bahar, Maleko'shoara-Forozanfar, Badi'ozaman-Gharib, Abdol Azim-Homae, Jalal al-Din (Five Masters). (1994). *Grammar*. Tehran: Ferdows Publications [In Persian].
- Zolotov, G.A. (2001). *Syntactic Dictionary*. -M.: Editorial [In Russian].